



مادر امام سجاد(ع) + دختر یزدگرد! + بقعه‌ای در کوه بی‌بی شهریانو

به مناسبت سالروز میلاد حضرت سیدالسادین، زین العابدین علیه السلام، به منظور تیمم و تبرک، یک بررسی اجمالی در مورد مادر امام، علی بن الحسین(ع) را تقدیمتان کنیم. امید که مورد استفاده واقع گردد.

!

گردآوری و تنظیم: رضا صابری خورزوقی

به مناسبت سالروز میلاد حضرت سیدالسادین، زین العابدین علیه السلام، به منظور تیمم و تبرک، یک بررسی اجمالی در مورد مادر امام، علی بن الحسین(ع) را تقدیمتان کنیم. امید که مورد استفاده واقع گردد.

چکیده‌ای از آنچه

در این مقاله می‌خوانید

- 1 - بقعه‌ای که در کوه بیبی شهریانو وجود دارد با همه احترامی که برای آن قائل هستیم هیچ ارتباطی با امام سجاد(ع) ندارد.
- 2 - مادر امام سجاد(ع) هرکه بوده بعد از دنیا آوردن آنحضرت رحلت نموده.
- 3 - قطعاً مادر امام سجاد(ع) در کربلا نبوده.
- 4 - مادر امام زین العابدین(ع) دختر یزدگرد سوم نیست.
- 5 - سپاه اسلام، نه هنگام فتح ایران، و نه، بعد از آن، هیچ دختری از دربار پادشاهی ایران به اسارت نبرده است.
- 6 - اساساً یزدگرد سوم؛ دختری به نام‌هایی که در برخی روایات آمده نداشته است.
- 7 - احتمالاً؛ داستان ازدواج امام حسین(ع) با دختر یزدگرد سوم، افسانه‌ای است که به قصد تبرئه ساسانیان و تقدس بخشی به آنان ساخته شده است.

مجموع قرائن، این احتمال را تشدید می‌کند که دست جعل در ساختن مادری ایرانی و مدفون در کوهی در ری، با اوصافی غیرواقعی، برای امام سجاد(ع) دخالت داشته و عمداً دیدگاه‌های دیگر درباره مادر آن حضرت(ع) - بویژه دیدگاه‌هایی که او را از کنیزکان بلاد دیگر همانند سند می‌داند - نادیده گرفته است. در حالی‌که تا قبل از اواخر قرن سوم بیشتر ناقلان، مادر امام سجاد(ع) را از کنیزان سید یا کابل می‌دانستند. (شعوبیه، ص 305)

با رجوع به منابع مختلف شیعه و سنی درمی‌یابیم که از میان ائمه شیعی بیشترین اختلاف درباره نام مادر امام سجاد(ع) وجود دارد تا جائیکه برخی از محققان با استفاده از منابع مختلف چهارده نام(1) و برخی دیگر تا شانزده(2). نام برای مادر آن حضرت(ع) ذکر کرده‌اند(3). مجموع این نام‌ها چنین است:

1. شهربانو، 2. شهربانویه، 3. شاه زنان، 4. جهان شاه، 5. شه زنان، 6. شهرناز، 7. جهان بانویه، 8. خوله، 9. برّه، 10. سلافة، 11. غزاة، 12. سلامة، 13. حرار، 14. مریم، 15. فاطمة، 16. شهربان.

با آن که در منابع تاریخی اهل سنت بر روی نام‌هایی چون سلافة، سلامة، غزاة بیشتر مانور داده شده است،(4). اما در منابع شیعی و به خصوص منابع روایی آنها، نام شهربانو بیشتر مشهور شده است.

بنا به نوشته برخی از محققان(5): اولین بار نام «شهربانو« در کتاب «بصائر الدرجات« محمد بن حسن صفار قمی (متوفی 290 ق) دیده شده است. (6) بعدها محدث معروف شیعه، شیخ کلینی (م 329 ق) روایت همین کتاب را در کتاب کافی آورد. (7). بقیه منابع یا از این دو منبع بهره گرفته و یا آن که روایاتی ضعیف و بدون سند معتبر را در نوشته‌های خود آورده‌اند. (8)

روایت مشهور

در این روایت چنین آمده است:

«شهربانو« چون دختر یزدگرد را نزد عمر آوردند، دوشیزگان مدینه برای تماشای او سر می‌کشیدند و چون وارد مسجد شد، مسجد از پرتوش درخشان گشت. عمر به او نگریست، دختر رخسار خود را پوشید و گفت: اف بیروج بادا هرمز (وای، روزگار هرمز سیاه شود)! عمر گفت: این دختر مرا ناسزا می‌گوید و بدو متوجه شد! امیرالمؤمنین(ع) به عمر فرمود: تو این حق را نداری که به او آسیبی برسانی، به او اختیار ده که خودش مردی از مسلمانان را انتخاب کند و در سهم غنیمتش حساب کن. عمر به او اختیار داد. دختر آمد و دست خود را روی سر حسین(ع) گذاشت. امیرالمؤمنین علی(ع) به او فرمود: نام تو چیست؟ جهان شاه. حضرت فرمود: بلکه شهربانویه باشد. سپس به حسین(ع) فرمود: ای اباعبدالله! از این دختر بهترین شخص روی زمین برای تو متولد می‌شود و علی بن حسین(ع) از او متولد گشت. آن حضرت را ابن الخیرتین (پسر دو برگزیده) می‌گفتند؛ زیرا برگزیده خدا از عرب «شهربانو« بود و از عجم «شهربانو«. (9)

بررسی این روایت

این روایت، هم از جهت سند و هم از جهت متن دارای اشکال است

از جهت سند:

از جهت سند در آن افرادی مانند ابراهیم بن اسحاق احمر(10) و عمرو بن شمر وجود دارند که متهم به غلو شده و از سوی علمای شیعه مورد تأیید واقع نشده‌اند.(11)

جهت متن:

اما از جهت متن اشکالاتی بدین شرح وارد است:

* اولاً: اسارت دختری از یزدگرد، به شدت محل تردید است.

* ثانیاً: اسارت چنین دختری در زمان عمر و به ازدواج امام حسین(ع) درآمدن در این زمان نیز غیرقابل قبول است.

زیرا: بنا بر قول مشهور، امام سجاد علیه السلام در سال 37 هجری به دنیا آمده و عمر بن خطاب در سال 23 هجری کشته شده است؛ یعنی اگر شهربانو در آخرین سال خلافت عمر به اسارت درآمده و با امام حسین علیه السلام ازدواج نموده باشد؛ معنا و مفهوم آن، چنین خواهد شد که وی حداقل بعد از 14 سال #171؛نازایی « به ولادت فرزندش امام سجاد علیه السلام نایل آمده است. و به راستی که پذیرش این مطلب، بسیار دشوار و شگفت بوده و نیاز به توجیه دارد! بویژه که در هیچیک از کتب تاریخ، هیچ ذکری زندگی این بانو، در کنار امام حسین(ع) در هیچیک از منابع وجود ندارد.

* ثالثاً: گزارش فوق با روایات دیگری که در این زمینه وارد شده در تعارض کامل است.

(برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به: زندگانی امام زین العابدین (ع) نوشته مرحوم استاد جعفر شهیدی، ص 29 و 30 + زندگانی علی بن الحسین (ع)، ص 13 19 + پرسش ها و پاسخ ها، ص 75 79 + خدمات متقابل اسلام و ایران، ص 131 و 132)

* رابعاً: در هیچیک از منابع معتبر شیعی به جز این روایت، لقبی با عنوان #171؛ابن الخیرتین» برای امام سجاد(ع) نقل نشده است.

آیا در این جا نمی‌توان نوعی ایرانی‌گرایی افراطی را دید که - به خیال خود - خواسته‌اند بوسیله ایجاد پیوند بین نسل ساسانیان با نسل پیامبر(ص) تولد امام سجاد(ع) از این ازدواج، و نامیدن آنحضرت به #171؛ابن الخیرتین»، ساسانیان را به عنوان #171؛خیر اهل الارض» معرفی کنند؟

این‌گونه نقدها بر گزارش‌های حاوی نام شهربانو باعث می‌شود تا این گزارش‌ها را از ساحت ائمه(ع) به دور و آن را ساخته دست حدیث‌پردازان بدانیم و نام شهربانو را برای مادر آن حضرت(ع) نفی کنیم.

تسبب مادر امام سجاد(ع)

درباره تسبب مادر امام سجاد(ع) نیز منابع متقدم تاریخی و روایی دچار اختلاف گشته‌اند.

برخی مانند یعقوبی (متوفی 284 ق)(12)، محمد بن حسن قمی(13)، کلینی (متوفی 329 ق)(14)، محمد بن حسن صفار قمی (متوفی 290 ق) علامه مجلسی(15)، شیخ صدوق (متوفی 381 ق)(16) و شیخ مفید (متوفی 413 ق)(16) او را دختر یزدگرد دانسته‌اند، هر چند در نام او اتفاق نظر ندارند.

این تسبب تقریباً در میان منابع متأخر به عنوان یک شهرت فراگیر جای خود را باز کرده است؛ به گونه‌ای که میدان اظهار وجود برای دیدگاه‌های مخالف نگذاشته است.(17)

در مقابل این قول، برخی از منابع متقدم و متأخر دیدگاه‌های دیگری مانند سیستانی، سندی، و یاکابلی بودن او را متذکر شده و بسیاری از منابع بدون ذکر محل اسارت او، تنها با عنوان #171؛ام ولد» (کنیز صاحب فرزند) از او یاد کرده‌اند.(18)

برخی نام‌های بزرگان ایرانی هم چون سبجان، سنجان، نوشجان و شیرویه را به عنوان پدر او ذکر کرده‌اند.(19)

بررسی این تسبب

اسناد روایت معتبر نیست

برای نقد و بررسی این تسبب نمی‌توانیم به بحث‌های سندی این گزارش‌ها تکیه کنیم؛ زیرا هیچیک از این روایات (به جهت وجود راویانی چون: عمرو بن شمر و ابراهیم بن اسحاق احمر که مورد تأیید دانشوران علم رجال نیستند) دارای سند مستحکمی نیست.

بررسی محتوایی:

علاوه بر آن که بیشتر کتاب‌های تاریخی همانند تاریخ یعقوبی، مطالب خود را بدون ذکر اسناد نقل می‌کنند.

بنابراین باید فقط از راه محتوا به بررسی آن ها پرداخت که در این راستا اشکالات زیر خود را نشان می‌دهد:

1. اسامی گوناگون دختری که از ایران به اسیری رفته است

مهم‌ترین اشکال اختلاف این گزارش‌ها در ذکر نام او است که منابع مختلف پیش گفته اسامی گوناگونی همانند شهربانو، سلاخه، غزاله برای او نقل کرده‌اند. و این نشان می‌دهد که این مطالب، سازندگان مختلف با انگیزه‌های یکسانی داشته است که همان تعصب ایرانی‌گری و ارتباط دادن میان ایرانیان و امامان(ع) از راه تسبب بوده است تا به خیال خود فرآیند را از ساسانیان به امامان شیعه منتقل سازند.

2. اختلاف نقل‌ها در مورد زمان اسارت

اختلاف این گزارش‌ها در زمان اسارت او نیز یکی دیگر از اشکالات است که برخی آن را در زمان عمر، برخی دیگر در زمان عثمان و برخی مانند شیخ مفید آن را در زمان خلافت حضرت علی(ع) دانسته‌اند.(20)

3. عدم ذکر اسارت دختران یزدگرد

در منابع تاریخ

نکته‌ای که جعلی بودن خبر اسارت دختران یزدگرد را تقویت می‌کند این است که، کتاب‌هایی مانند تاریخ طبری و الکامل ابن اثیر که

به صورت سال‌شمار جنگ‌های مسلمانان با ایرانیان را تعقیب کرده و مسیر فرار یزدگرد را به شهرهای مختلف ایران نشان داده‌اند، در هیچ موردی به ذکر اسارت فرزندان او نمی‌پردازند؛ با آن که این مسأله، بسیار مهم‌تر از حوادث جزئی دیگری است که به آن‌ها اشاره شده است.

4. یزدگرد سوم، دختری به هیچیک از نام‌های ذکر شده نداشته است
برخی از نویسندگان متقدم همانند مسعودی، هنگام ذکر فرزندان یزدگرد سوم، دخترانی با نام‌های ادرک، شاهین و مردآوند برای او ذکر می‌کنند که اولاً با هیچیک از نام‌هایی که برای مادر امام سجاد(ع) گفته شده، هماهنگی ندارد و ثانیاً خبری از اسارت آن‌ها در تمام نوشته‌های خود به میان نمی‌آورد.(21)

5. يك سند مهم تاريخي
از مهم‌ترین اسناد تاریخی که می‌توان درباره مادر امام سجاد(ع) به آن استناد کرد، نامه‌های منصور به محمد بن عبدالله معروف به «نفس زکیه» است که رهبری مخالفان طالبی (اولاد ابوطالب) را در مدینه بر عهده داشت و همیشه میان او و منصور نزاع و درگیری بود.

در یکی از این نامه‌ها که منصور قصد ردّ ادعاهای محمد مبنی بر افتخار به نسب خود را داده چنین می‌نگارد: «ما وُلِدَ فیکم بعد وفاة رسول الله(ص) افضل من علی بن الحسین و هو لأم ولد». (22) یعنی، بعد از رحلت پیامبر خدا(ص) در میان شما شخصیتی برتر از علی بن حسین (امام سجاد(ع)) ظهور نکرده، در حالی که او فرزند ام ولد (کنیز دارای فرزند) بود.
این درحالی است که اگر داستانی که در روایت مشهور آمده صحت داشته باشد؛ دختر یزدگرد سوم آزادشده بوده و پس آزادی، با خواست آزادانه خود، به عقد امام حسین(ع) در آمده و دیگر به او «ام‌ولد» گفته نمی‌شود.
جالب آن است که هیچ اعتراضی - نه از سوی محمد و نه از سوی دیگران - به این فقره شنیده نمی‌شود که علی بن حسین(ع) فرزند کنیز نبود؛ بلکه فرزند شاهزاده‌ای ایرانی بود! در حالی که اگر این داستان واقعیت داشت، حتماً محمد بن عبدالله برای پاسخ دادن، به آن استناد می‌کرد.

مجموعه این قرینه‌ها ما را به این نتیجه می‌رساند که دست جعل در ساختن مادری ایرانی با این اوصاف برای امام سجاد(ع) دخالت داشته و عمداً دیدگاه‌های دیگر درباره مادر آن حضرت(ع) - بویژه دیدگاه‌هایی که او را از کنیزکان بلاد دیگر همانند سند می‌داند - نادیده گرفته است.

و این در حالی است که تا قبل از اواخر قرن سوم، بیشتر ناقلان، او را از کنیزان سِند یا کابل می‌دانستند.(22)
اشکالات عالمان و پژوهشگران برجسته زمان:

قابل توجه است که عالمان و پژوهشگران برجسته‌ای چون «شهِید مطهری « بر شاهزاده بودن وی، اشکالاتی وارد ساخته‌اند. به طوری که آن استاد شهید فرموده است: «... اگر از زوایه تاریخ بنگریم، اصل داستان شهربانو و ازدواج او با امام حسین علیه السلام و ولادت امام سجاد علیه السلام از شاهزاده‌ای ایرانی، مشکوک است...» (خدمات متقابل اسلام و ایران، ص 120 - 134، ص 134، ق 1357 ش)

بدینسان اظهار نظر قطعی در باره ایرانی بودن امام سجاد(ع) مشکل و دلائل و قرائن خلاف آن را اثبات می‌نماید .

اگر چه مشهور آن است «مه شهر» بانو، دختر یزگرد، مادر امام سجاد (ع) می‌باشد و علت شهرت آن می‌تواند تلاش برای ایجاد پیوند بین نسل ایرانی با بنی هاشم و خاندان پیامبر(ص) و هم چنین حضور ایرانیان در کربلا باشد بدین معنا که هم مادر امام سجاد و هم خود حضرت در کربلا حضور داشته و این افتخار بزرگ برای ایرانیان است .

بارگاه منتسب به شهر بانو در شهر ری

همچنین وجود بارگاه منتسب به شهر بانو در شاه عبد العظیم می‌تواند موجب این شهرت باشد و حال آنکه در این باره باید بگوییم که تقریباً تمام منابع متقدم شیعی - که به زندگانی مادر امام سجاد(ع) پس از اسارت پرداخته‌اند - چنین نگاشته‌اند: او در هنگام تولد امام(ع) در همان حالت نفاس از دنیا رفت.(23)

و نیز چنین گفته‌اند: یکی از کنیزان حضرت علی(ع) به عنوان دایه به بزرگ کردن او پرداخت و مردم خیال می‌کردند که او مادر امام(ع) است.(24)

بنابراین، از مطالب قبل و اثبات عدم حیات مادر امام بعد از تولد امام(ع) خود به خود این موضوع روشن می‌شود که قطعاً از دیدگاه منابع معتبر، حضور مادر امام(ع) در کربلا منتفی است؛ حال با هر نام و نسبی که می‌خواهد باشد.

هم چنین از سوی محققان معاصر با دلایل قطعی ثابت شده است که بقعه بی‌بی شهربانو - که در منطقه کوهستانی شرق ری وجود دارد و معروف به کوه بی‌بی شهربانو است - هیچ ربطی با مادر امام(ع) ندارد و بنایی است که در قرون بعدی ساخته شده است. چنان‌که عدم ذکر چنین بقعه‌ای در آثار شیخ صدوق - که خود سالیان دراز در ری می‌زیسته و به آن آشنایی کامل داشته - مؤید دیگری بر عدم وجود این بقعه در قرن چهارم و در زمان شیخ صدوق (متوفی 381 ق) است.

دیگر نویسندگانی هم که به ذکر احوال عبدالعظیم حسنی و شخصیت‌های بزرگ مدفون در ری پرداخته‌اند، نامی از چنین بقعه‌ای نبرده‌اند.

اشتباه در اشتباه

سوء استفاده از يك اشتباه مشهور

این احتمال وجود دارد که در قرون بعدی زنی پارسا با نام شهربانو در این مکان دفن شده و با گذشت سالیان، مردمان آن سامان او را با مادر امام سجاد(ع) - که در آن زمان مشهور به شهربانو بوده - اشتباه گرفته‌اند و یا برخی این اشتباه را در زبان مردم انداخته و با

انگیزه‌هایی به تقویت آن پرداخته‌اند. (26)

و شاید قصه پردازان به انگیزه‌های مختلف، حکایت بی اساس» سوار شدن وی بر ذوالجناح یا اسبی دیگر و آمدنش به ایران و سرانجام غائب و پنهان گشتن او در کوه (کوه بی بی شهربانو شهر ری) را چنان با آب و تاب در میان برخی کتاب‌ها، وارد ساخته‌اند و در بین عوام رواج دادند که جایگزین وقایع تاریخی شده است.

از این رو پژوهشگران بزرگ زمان ما، همچون: علامه‌ی شهید استاد مطهری، شیخ ذبیح الله محلاتی و دکتر سید جعفر شهیدی، هر یک به نوبه خود، به تجزیه و تحلیل و نقد این قبیل تحریفات پرداخته‌اند.

پی نوشت

1- ملاآقا دربندی، اکسیر العبادات فی اسرار الشهادات، ج 3، ص 110.

2- همان.

3- شهیدی، سیدجعفر، زندگانی علی بن الحسین(ع).

4- زندگانی علی بن الحسین(ع)، ص 10 و 11.

5- مقاله «حول السیة شهربانو» نوشته شیخ محمد هادی یوسفی، مندرج در مجله رسالة الحسین(ع)، سال اول، شماره دوم، ربیع‌الاول 1412

6- بحارالانوار، ج 46، ص 8-13

7- افتخارزاده، محمودرضا، شعوبیه ناسیونالیسم ایران، ص 305 که از منابعی چون انساب الاشراف بلاذری، طبقات ابن‌سعد، المعارف ابن‌قتیبہ دینوری و الکامل مبرّد اسامی فوق را نقل می‌کند

8- شهیدی، زندگانی علی بن الحسین(ع)، ص 12

9- بحارالانوار، ج 46، ص 9، ج 20.

10 - اصول کافی، ج 2، ص 369

11- شعوبیه ناسیونالیسم ایرانی، ص 289-337.

12- با استفاده از ترجمه حاج سید جواد مصطفوی (اصول کافی، ج 2، ص 369).

13 - آیت الله خویی، معجم رجال الحديث، ج 1، ص 202 و ج 13، ص 106.

14- همان.

15- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 303.

16 -تاریخ قم، ص 195

17- اصول کافی، ج 2، ص 369.

18- بحارالانوار، ج 46، ص 9

19- عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 128

20- الارشاد، ص 492

21- زندگانی علی ابن الحسین(ع)، ص 12.

22- شعوبیه، ص 305.

23- حول السیة شهربانو، ص 28.

24- شعوبیه، ص 324.

25- همان، ص 304.

26- الکامل فی التاريخ، ج 2، ص 570.